

## مفهوم «راه» در اوستا

برنفرید شلرات<sup>۱</sup>

ترجمه از مه‌لقا مرتضایی<sup>۲</sup>

پاول تیمه در ذیل مفیدی که بر کتاب عناصر خارجی در ریگ‌ودا (صص ۱۱۰-۱۱۷) نوشته، نشان داده است که در ریگ‌ودا تمایز بارزی میان دو لفظ *pánthá* به معنای «راه» و *ádhvān* به معنای «جاده» وجود دارد و به بعضی نظایر اوستایی این دو لفظ هم توجه داده، یعنی یسن ۳/۴۴؛ یشت ۲۰/۱۳. ظاهراً لازم است که این مسئله از جهت مطالبی که در اوستا درباره آن آمده بار دیگر بررسی شود. البته نمی‌توان انتظار داشت که همان تمایزی را که در ودا است در اوستا هم بازیابیم، زیرا ابیات و عباراتی که کلمات *-panti*، *-paθā*، *advan-* در آنها آمده، به خلاف ریگ‌ودا، موضوعشان غالباً مسائل زندگی واقعی نیست، بلکه بیشتر معنایی مجازی دارند و بنابراین به دست آوردن معنای دقیق آنها دشوار است. مترجمان پهلوی هم فرق میان *-panti*/*-paθā* و *advan-* نگذاشته‌اند و پیوسته آنها را به *rāh* «راه» برگردانده‌اند که خود معادل لفظی در اوستا ندارد (رجوع شود به اساس اشتقاق فارسی هرن و مطالعات ایرانی هوشمان، ذیل لغت راه)

در عباراتی که در ادامه می‌آید کلمات سابق الذکر با فعل‌های ثابتی به کار رفته‌اند: در مهریشت، بند ۶۸ آمده است:

yeṇhe vāšəm hangrəwnāiti ašiš vaṇuhi yā bərəzaiti, yeṇhe daēna māzdayasniš x<sup>v</sup>ite paθō rāδaiti.

اشی نیکِ بلند‌گردونه او (مهر) را پیش می‌برد، دین مزدیسنی راه‌های او را برای حرکت آسان آماده می‌کند (گرشویچ، مهریشت: ۱۰۵).  
مقایسه شود با ریگ‌ودا (۲/۳۰/۲؛ ۳/۸۰/۵؛ ۲/۷۵/۱۰):

pathó rádantīr, rátsi vājāya panthām; prá te 'radad vārūno yátave pathāh.

به این عبارات می‌توان عبارت یسن ۴/۴۶ را هم اضافه کرد:

hvō tāng frō.gā paθmāng hučistōiš carat.

<sup>۱</sup> - این مقاله ترجمه‌ای است از:

Bernferid Schlerath (1964). "The Concept of the Path in the Avesta", in *Dr. Unvala Memorial Volume*, pp. 141-144.

<sup>۲</sup> - دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

mortezaee8361@gmail.com

تیمه این عبارت را به این صورت ترجمه کرده است: «او که پیشرو است این راه‌های تشخیص درست را می‌آفریند.» هلموت هومباخ در تفسیر خود بر گاهان (جلد دوم: ۶۹) به درستی می‌گوید که *paθman-* اوستایی را نمی‌توان با *panti-* و *paθā-* اوستایی و *pánthā-* ودایی مقایسه کرد، بلکه دقیق‌ترین معادل این لغت در ودا *pátman-* به معنای «پرواز» است، و این مطلب اخیر البته مطلبی است مشهور. با این همه، اولاً نباید از یاد برد که *pátman-* ودایی صرفاً معنای پرواز ندارد، بلکه معنای «خط سیر پرواز» هم دارد، مخصوصاً خط سیر پرواز ایزدان واته و اگنی؛ ثانیاً *panti-* اوستایی و *pánthā-* ودایی مکرراً در معنای راه کیهانی که از میان فضا می‌گذرد به کار رفته‌اند؛ ثالثاً عبارت *pátman- r̥tasya* در ریگ‌ودا (۲۳/۸/۸) ظاهراً معنایی ندارد جز *ašahē panti-* در اوستا و *r̥tasya pánthā-* در ریگ‌ودا به معنای «راه راستی» (رجوع شود به ادامه مطلب)؛ و رابعاً عبارت ودایی ۵، ۴۶، ۱ *vidván patháh* - *puractá r̥jú nešati* به معنای «او، در حالی که داننده راه است و پیشرو است، مستقیم به پیش می‌رود»، که تیمه آن را نظیر ودایی عبارت مذکور از یسن ۴/۴۶ دانسته است، چنان مشابهت نزدیکی در معنا و لفظ با عبارت اوستایی دارد که به واسطه آن من ترجمه تیمه را بر ترجمه هومباخ ترجیح می‌دهم؛ ترجمه هومباخ چنین است: «او آنها را گاوآن پیشرو پرواز اندیشه نیک خواهد کرد». درباره ترجمه و تفسیر این عبارت گاهانی من خواننده را، جز ترجمه‌های مشهور گاهان، به آثار زیر ارجاع می‌دهم:

Geldner, *Bezenberger Beiträge* 14 (1889); Meillet, *Trois conférences* (1925), p. 23; Benveniste, *Infinitifs avest.* (1935), pp. 12, 78, 79; Nyberg, *Religionen des alten Iran* (1938), pp. 134, 144, 233; Benveniste, *Noms d'agent* (1948), p. 89; Abaev, *Arch. Or.* 24 (1956), p. 30; Humbach, *WZKSOA* 2 (1958), pp. 22, 25; Seiler, *Relativsatz* (1960), p. 201.

علاوه بر آن در این عبارت یسن ۴/۴۶ کلمه‌ای در معنای «راه» آمده که با فعل هند و ایرانی *kar-* همراه شده و همین کاربرد را می‌توان در ریگ‌ودا (۱۰/۳۰/۳)؛ ۵/۸۰/۵؛ ۲/۸۰/۹؛ ۵/۹۱/۹؛ ۶/۵۳/۱۰؛ ۷/۷۳/۱۰ یافت.

استعمال «راه» و فعل *rad-* که در ودا آمده است (*panti- + rad-*)، گرچه معادل دقیق لفظی در اوستا ندارد، گاهی نظایر معنایی دارد؛ یکی در یسن ۹/۳۱: *hyaṭ ahyāi dadā paθam*، و دیگری در یشت ۳/۱۰: *razištəm pantam daḍāiti ātarš:* ۳/۱۰. برخلاف راه یا جاده (*advan*) آمده، که ذکر آن گذشت، ممکن است راهی هم باشد که برای مسافران خطرناک باشد، و مضمون بیت زیر از بند ۴۵ مهریشت همین است:

*avaēšamča paθō pāntō yim isənti miθrō.drujō*

و همین در ریگ‌ودا نظایری دارد (۷/۵/۷؛ ۱۰/۵۵/۳):

*-vāyúr ná pāthaḥ pāri pāsi sadyāḥ.*

-viṣṇur gopáh paramám pāti páthah.

کم‌اهمیت‌تر از این تشابهات، کاربرد -*vaz*+*panti* در یشت ۳۳/۸، ۳۵ و نظیر آن در ریگ‌ودا  
«راست» می‌آید. (۱۰/۷۰/۱۰) است:

pátha úpa vakṣi vidván.

از خصوصیات لفظ -*panti* یعنی «راه»، در اوستا این است که همراه صفت -*erəzu-* به معنای  
«راست» می‌آید.

۱- یسن ۲/۵۳: dáṇhō erəzūš paθō

۲- یسن ۳/۴۳:

yē ná erəzūš savanḥō paθō sīšōiṭ ahyā aṇhōuš astvatō manaṇhascā

۳- یسن ۵/۳۳:

apānō darəgō. jyāitīm ā xšaθrəm vaṇhōuš manaṇhō ašāṭ ā erəzūš paθō  
yaēšū mazdā ahurō šaēti

۴- یسن ۱۳/۶۸:

razištahe paθō aēšəmča vaēdəmča yō asti razištō ā ašāṭ vahištəmča  
ahūm

۵- یشت ۳/۱۰:

razištəm pantəm daḍāiti ātarš

در ریگ‌ودا هم این تعبیر رایج است:

۱- مندله ۵/۴۱/۱: rjunā pathā

۲- مندله ۲۳/۸۵/۱۰: rjāvah pánthā

۳- مندله ۲۸/۹۷/۹: patháh... rju neṣati; rájiṣṭhā pathībhiryé

۴- مندله ۱۰/۹۰/۸: rájiṣṭhaiḥ pathíbhīr

از این عبارات نتیجه نمی‌شود که -*panti* همیشه مستقیم است (چون این صفت بیشتر مخصوص  
«جاده» است نه «راه»)، بلکه منظور از آنها امید آدمی‌زادگانی است که می‌خواهند از راهی هم که  
مسیرش را از پیش نمی‌دانند به سلامت گذر کنند. صفت -*hukərəta* اوستایی برابر با -*súkrta* ودایی  
هم برای *advan* به کار رفته (یسن ۱۳/۳۴) و هم برای *pánthā* (در ریگ‌ودا، ۱۱/۳۵/۱).

علاوه بر اینها، در اوستا امیدوارند که راهشان آسان‌رو باشد (*x<sup>v</sup>aēta*, *x<sup>v</sup>īte*):

۱- یسن ۱۲/۳۴: sīšā ná ašā paθō vaṇhōuš x<sup>v</sup>aētəng manaṇhō

۲- یشت ۶۸/۱۰: x<sup>v</sup>ite paθō rāδaiti

این اولاً مصدر ودایی *yātave* را به یاد می‌آورد (از همان ریشه) که در بعضی عبارات ودا همراه با *pánthā-* به کار رفته است (۱۶/۱۱۳/۱؛ ۸/۷/۸؛ ۳/۱۲/۸؛ ۲/۷۵/۱۰)؛ ثانیاً صفت *sugá-* به معنای «آسان‌رو» را که آن هم با *pánthā-* به کار رفته است، از جمله در: ۱۱/۳۵/۱؛ ۴/۴۱/۱؛ ۶/۲۷/۲؛ ۱۰/۳۰/۳؛ ۲/۸۰/۵؛ ۳/۵۴/۳؛ ۵/۵۱/۱۰.

تیمه (همان، ص ۱۱۵ به بعد) درباره آن ابیات ودایی بحث کرده که در آنها ذکر می‌شود از مسیر رودها شده است. در یشت ۵۴/۱۳ نظیری می‌توان برای آنها یافت:

yā (fravašayō) apam mazdaδātanaṃ srīrā paθō daēsayeinti yā para ahmāt  
hištanti fradātā afrataṭ.

kušiš hamaya gātvo darəγəmčīṭ pairi zrvānəm.

راه سومه هم که در ریگ‌ودا آمده (تیمه، ص ۱۱۴ به بعد) نظیری در یشت ۳۳/۸ دارد، در یک عبارت بسیار شاعرانه که درباره حرکت ابرهاست:

āaṭ taṭ dunman frašāupayeiti maēγō.kara ašavanō frā pourvō vātaṃ  
vazaiti yaṃ paθō āiti haomō frāšmiš frādat.gaēθō.

خورشید و ماه و ستاره هم هر یک راه خود را می‌روند. ریگ‌ودا این راه را *ādhan-* می‌نامد و گاه

*pánthā-* در اوستا هم هر دو آمده است:

۱- یسن ۳/۴۴: kas nā x<sup>v</sup>əng strēmčā dāt advānəm

۲- یشت ۳/۱۲: θrišum barəsma frastərənuyā paitiša hū adwanəm

۳- وندیداد ۱۰/۲: āaṭ yimō frašūsaṭ raočā ā upa rapiθwam hū paiti adwanəm

و در مورد *panti-*:

۱- یشت ۳۵/۸:

tištrīm ... yazamaide yō avadāt fravazāite xšōiθnāt hiš ušayāt

duraēurvaēsəm paiti pantam...

۲- یشت ۱۶/۱۳: aṅḥam raya x<sup>v</sup>arənaṅḥača hvarə ava paθa aēiti

(به جای *hvarə* در ادامه همین عبارت، *mā* و *stārō* هم آمده است).

تمامی عبارات ودایی که در آنها «راه راستی» (*rtāsya pánthā*) آمده، در کتاب لودرس به نام *ورونه* (جلد دوم، *ورونه و رته*)، ۱۹۵۹، صص ۴۶۱ – ۴۶۹، ترجمه و شرح شده است. متأسفانه لودرس حتی ذکر می‌کند هم از *ašhe panti-* در اوستا نکرده است (یسن ۱۳/۵۱؛ ۱۱/۷۲؛ یشت ۱۰/۳۶؛ وندیداد ۴۳/۴؛ همچنین یسن ۵/۳۳؛ ۱۳/۶۸). بررسی دقیق مطالب ودایی به همراه عبارات مشابه اوستایی علاوه

بر آنکه پرده از عقاید مشترک هند و ایرانی برمی‌دارد، از به وجود آمدن مفهوم اخلاقی تازه در ایران باستان هم خبر می‌دهد که باعث ترک آداب قربانی شده است<sup>۱</sup>.

## سکندر

---

---

<sup>۱</sup> - با این جمله آخر نویسنده نمی‌توان کاملاً هم عقیده شد. مترجم